شاعر و نقاش واژه ها

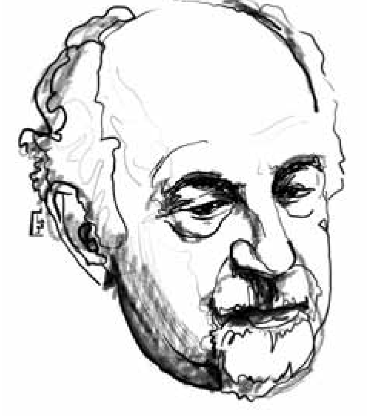

نمای مهر: درباره هانیبال الخاص

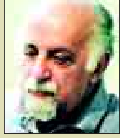

هانیبال الخاص متولد ۱۲۰۹ کرمانشاه
۱۹۵۶ - لیسانس هنرهای تجسمی از انستیتوی هنر شیکاگو - ایلی نوی
۱۹۵۸ - فوق لیسانس هنرهای تجسمی از انستیتوی هنر شیکاگو - ایلی نوی
۱۹۵۹ - تأسیس گالری گیل گمش (اولین گالری هنرمدرن درتهران)
۱۹۵۹/۶۲ - معلم هنرستان عالی پسران
۱۹۶۴/۶۹ - پروفسور دپارتمان هنرهای تجسمی کالج مونتسلو - آلتون، ایلی نوی
۱۹۶۸/۶۹ - رئیس قسمت هنرهای تجسمی کالج مونتسلو - آلتون
۱۹۷۲/۷۵ - نقد هنری در روزنامه کیهان - تهران
۱۹۶۹/۸۰ - استاد دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران
۱۹۸۰/۸۲ - تدریس خصوصی و مکتب شناسی هنر در تهران و دانشگاه برکلی و دانشگاه یو.سی.ال.ای (کالیفرنیا)
۱۹۹۲/۲۰۰۵ - استاد هنرهای تجسمی در دانشگاه آزاد اسلامی - تهران
۱۹۹۷ و ۹۹- عضو هیأت ژوری بی‌ینال نقاشی موزه هنرهای معاصر تهران
- برپایی بیش از ۴۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی در داخل و خارج از کشور
* تألیف، ترجمه و نوار شعر:
فارسی:
- ۱۰ داستان کوتاه (منتشر شده در روزنامه‌ها و مجلات).
- مجموعه ۵ جلدی برای مدارس تکنیکی ایران شامل طراحی، نقاشی، تاریخ هنر و مجسمه سازی.
- ترجمه بیوگرافی دیوید آلفارو سیکروس (نقاش مکزیکی)
- ترجمه ۱۰۰ شعر از کارول سند برگ
- نوار اشعار انتخاب شده از نیما یوشیج
آشوری:
- اشعار قومی
*ترجمه‌های فارسی به آشوری: ۱۹۸۲/۹۶ - ۱۲۰ غزل از حافظ به صورت نوار
* ترجمه‌های فارسی به انگلیسی:
- ترجمه‌های اشعار فارسی با همکاری برایان برگلاند
* روی جلد و تصویرسازی:
- بیش از ۲۰ طرح روی جلد برای مجموعه‌های منتشر شده

احمدرضا دالوند: از هانیبال الخاص به عنوان یک معلم با ۴۰ سال سابقه تدریس و هانیبال الخاص به عنوان یک نقاش با ۶۰ سال سابقه حضور، باید نکته های آموختنی و حرف های شنیدنی بسیاری انتظار داشت. و اما هانیبال کیست؟

۱۲ یا ۱۴ سال داشت که در اراک آموزش نقاشی را شروع کرد. اولین معلم او (گورگیز) ۱۶ سال داشت و برای توفیق و بسیاری از مجلات فکاهی آن سال ها کاریکاتور می کشید. پدر هانیبال کارمند گمرک بود، در نتیجه هر چند وقت یکبار از شهری به شهر دیگر منتقل می شد. به تهران منتقل شدند. هانیبال با این که دستش لرزش داشت از پدر خواست نام او را در یک کلاس نقاشی بنویسد. معلم بعدی هانیبال، جعفر پتگر بود.

کلاس پتگر، پیش از آن که منتقل شود به خیابان هدایت، در خیابان جمهوری (شاه سابق) سه راه شاه بود. دو سال و نیم الخاص در کلاس پتگر آموزش دید. تا اینکه راهی آمریکا شد. جعفر پتگر پرتره ای از شهریار با سه تارش کشیده بود که جلوی چشم بود و همین پرتره باعث شد که هانیبال اصرار کند تا پرتره بکشد. شیوه آموزش پتگر کپیه برداری از نقاشی های کلاسیک بود. یکی از همکلاسی های الخاص در این کلاس، بیژن صفاری بود که عقیده داشت نقاش نباید کپیه برداری کند. این دو (هانیبال و بیژن) از طریق کتاب و کارت پستال با امپرسیونیست ها آشنا شده بودند و پیکاسو را آدم متقلبی می دانستند.

قبل از مسافرت هانیبال به آمریکا، او با یک پرتره در یک نمایشگاه گروهی در خانه وکس (انجمن ایران و شوروی سابق) شرکت کرد. این پرتره ای بود از خواهرش با رنگ و روغن. هانیبال الخاص به آمریکا رفت که طب بخواند، اما فلسفه خواند و بعدتر نقاشی.

نقاشی را در «آرت انستیتو» که استادهای خوب اروپایی و روسی داشت، خواند. در آن زمان در آمریکا «آبستره» اوج گرفته بود. جکسون پالاک، دکونینگ، فرانس کلاین و ...، هانیبال الخاص پس از ۸ سال درس و ۶ سال کار (کار در کارخانه وسترن الکتریک) در رشته ایلوستراسیون لیسانس و فوق لیسانس گرفت.

وقتی به ایران برگشت مدتی در اداره بهداشت مددکار اجتماعی بود و بعد هم شد معلم هنرستان پسران. بعد گالری «گیل گمش» را راه انداخت که بیشتر کار کسانی را به نمایش گذاشت که نمایشگاه اول شان بود. مثل: پیلارام، زنده رودی، قندریز، دادخواه، بروجنی و صفرزاده. هانیبال الخاص از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران و قبل از سال ۴۸ در هنرستان پسران تهران تدریس کرده است. در مجموع او از سال ۱۳۴۰ تاکنون به تناوب در هنرستان، دانشگاه تهران، دانشگاه های آمریکا، دانشگاه آزاد و کلاس های خصوصی اش به تدریس هنر پرداخته است.

الخاص تنها به عنوان یک نقاش شناخته نمی شود، چرا که او تاکنون هزاران دوبیتی، قصیده، هایکو، منظومه و غزل به زبان آشوری سروده و چهار کتاب آموزش هنر تألیف کرده است. ده ها قصه کوتاه به فارسی و آشوری نوشته و تعداد بسیاری طرح روی جلد کتاب ترسیم کرده است. اخیراً هم صد غزل حافظ را به آشوری ترجمه کرده و برای هر کدام یک مینیاتور به شیوه الخاص مصور کرده است. کتاب جامعی نیز از مجموعه مقالات، مصاحبه ها و یادداشت های او در دست انتشار است. الخاص آمیزه ای است از شاعر معلم، نقاش و قصه گو. او تاکنون بیش از سیصد نمایشگاه فردی یا گروهی برگزار کرده است که برخی از آنها غیرمنتظره، ابتکاری و به یادماندنی هستند. برای مثال او در دهه پنجاه، نمایشگاهی در نگارخانه شیخ برگزار کرد که فاقد افتتاحیه بود. یعنی روز اول بازدیدکنندگان با تعدادی بوم سفید روبرو می شدند که هانیبال در مقابل نگاه مردم مشغول نقاشی کردن می شد و پس از گذشت ده روز به تدریج بوم های خالی توسط او نقاشی می شدند. این نمایشگاه غیرمنتظره، به جای افتتاحیه، اما یک «اختتامیه» داشت.

همه هانیبال الخاص را به عنوان یک نقاش فیگوراتیو می شناسند. نقاشی که تصویر انسان، چهره انسان و اندام انسان دلمشغولی همیشگی اوست. اما هانیبال، کارهای متفاوتی نیز کرده است. برای مثال به مناسبت درگذشت نیما یوشیج که اتفاقاً مصادف با درگذشت پدرش نیز بوده، یک نمایش موسوم به Happening Art برگزار کرد که در ایران خیلی تازگی داشت. او برای این کار، یک تابلوی نقاشی بزرگ از نیما و حال و هوای شعر نیما کشید. در مقابل این تابلو ۴۰ صندلی نصب کرد و با ضبط صوت سخنرانی افرادی را که درباره نیما حرف زده بودند همراه با موسیقی مناسب پخش کرد. در این سالن قهوه نیز عرضه می شد. استقبال زیادی از این پروژه شد و نحوه حضور مستقبلین نیز به این صورت بود که ۴۰ نفر به سالن می آمدند و بر روی صندلی ها می نشستند و تابلوی بزرگ را تماشا می کردند و نوار سخنرانی ها را گوش می دادند و قهوه می خوردند، بعد آنها خارج شده و ۴۰ نفر بعدی وارد می شدند و ....

الخاص، تأثیر گذارترین معلم زندگی اش را «بوریس آنیسفلد» می داند. در اهمیت آنیسفلد به عنوان یک آموزگار یادآوری می کند که نقاش معروف «بیکن» نیز از شاگردان آنیسفلد بوده است. علت تداوم تأثیری که بوریس آنیسفلد برروی هانیبال داشته، در توجه دادن آن استاد بزرگ به هنر ایرانی است. یعنی در کوران رواج هنر آبستره، آنیسفلد، هانیبال را متوجه اهمیت هنر ایرانی می کند به طوری که به شاگردش می گوید: فعلاً شاگال را نبین، بروگل را نبین، با هنر رایج آن سالها یعنی «آبستراکسیون» و «اکسپرسیونیسم» کاری نداشته باش، او به الخاص یادآوری می کند که نقاشی قهوه خانه ای، آثار کمال الدین بهزاد و تاریخ ایران را بررسی کند. آنیسفلد به جوان جویای هنر که راهی غرب شده، اهمیت نگارگری ایرانی را یادآور می شود. از این روست که هانیبال نگاهی آمیخته به احترام و قدرشناسی نسبت به هنرمندان سنتی معاصر ایران دارد. در بین این دسته از هنرمندان، الخاص ارادت ویژه ای به ابوطالب مقیمی، علی مطیع، حسین بهزاد، سوسن آبادی، حسین الطافی و فریده مقدم دارد. می گوید سوسن آبادی شاگرد مقیمی بوده، فریده مقدم نیز شاگرد علی مطیع بوده است.

دسته دیگری از نقاشان ما که در رأس آنها کمال الملک است سخت مورد احترام و توجه الخاص بوده و به شاگردان حلقه اول کمال الملک نیز با نگاهی آمیخته به حرمت و احترام ویژه توجه نشان می دهد. در این میان از محمود اولیا به عنوان رامبراند ایران یاد می کند و شایستگی های بی بدیل استاد حیدریان را بدرستی یادآوری می کند. او معتقد است که بزرگان هنر ایرانی چه کمال الدین بهزاد، چه کمال الملک و چه کسانی مثل اولیایی، حسین بهزاد، مقیمی، الطافی، خانم مقدم و علی مطیع که هانیبال آنها را از نزدیک می شناخته نه تنها هنرمندان قابل و منحصر به فردی بوده اند، بلکه انسان های وارسته، مثل زدنی و سلیم النفسی نیز بوده و هستند. الخاص درباره فریده مقدم می گوید: فریده مقدم یک گریز خلاق از مینیاتور به سرامیک زده و ضروری است که حافظه هنر معاصر ایران در این باره بیشتر بداند. مقدم اطلاعات بسیاری درباره سرامیک و لعاب به دست آورده و در عین حال درباره آثار کمال الدین بهزاد نیز مطالعات و پژوهش های خوبی توسط شاگردانش انجام داده است. فریده مقدم با همکاری دوتن از بهترین سرامیست های ما یعنی برادران «قابچی» در تبریز که حقیقتاً سرامیست های بزرگی هستند به نتایج قابل توجهی دست یافته است. چنانچه این همکاری به تولید صنعتی و انبوه برسد و برخی کمپانی ها آنها را حمایت کنند، می تواند به یک اقتصاد برخاسته از هنر کاربردی تبدیل شده و در هر جای دنیا خواهان و مشتری پیدا کند.

در ضمن فریده مقدم شاگردان بسیاری تربیت کرده از جمله خانم شهرزاد صالحی پور که گریز هنرمندانه ای از مینیاتور به نقاشی نو زده است. شهرزاد صالحی پور هم مینیاتوریست خوبی است و هم نقاش مهمی است.

هانیبال الخاص تمایل دارد به عنوان یک معلم قدیمی بیشتر درباره چهره های نقاشی معاصر ایران که روزی شاگرد او بوده اند حرف بزند.

وی می گوید: معتقدم که منوچهر صفرزاده، نقاش قلدر و کم نظیری است و من او را «فرانسیسکو گویا»ی هنر معاصر ایران می دانم. مسعود سعدالدین را نقاش با پشتوانه ای می داند که باید منتظر نمایش آثارش در سال های آینده باشیم. از هادی ضیاءالدینی با احترام ویژه ای یاد می کند. می گوید هر کس به سنندج برود و بخواهد هادی ضیاءالدینی را ببیند لازم نیست آدرس او را داشته باشد، به هر راننده تاکسی بگویی مرا به خانه «کاک هادی» ببر، راست تو را به در خانه اش می برد. هادی ضیاءالدینی چند صد شاگرد تربیت کرده و عده بسیاری را روانه دانشکده های هنری کشور کرده که هم اکنون لیسانس، فوق لیسانس یا دکترا گرفته اند. او چند مجسمه مهم در سطح شهر سنندج ساخته و حتی مجسمه ای از یکی از قهرمانان کرد ساخته که در شهر «اربیل» عراق نصب شده است.

هانیبال، یادی هم از دو نقاش بسیار خوبی که در خارج از ایران زندگی می کنند، دارد. از «بهکلام» که ساکن آلمان است و گویا نقاش پرصلابتی است و از «شاهین چرمی» که ساکن اتریش است و به جز نقاشی فیلم های انسان دوستانه در استاندارد جهانی ساخته است. عقیده هانیبال الخاص درباره اروپایی ها و شوونیسم خاص اروپایی که توسط نهادهای فرهنگی آنها اعمال می شود، قابل تأمل است. وی می گوید: اروپایی ها جای «دگا» و «رنوار» را به هیچکس نمی دهند. آنها حاضر نیستند اثر یک امپرسیونیست مکزیکی، روس یا اصولاً غیراروپایی را بر روی دیوارهای موزه های شان تحمل کنند. اینجا ارزش گذاری صرف مورد نظرشان نیست، بلکه نوعی «شوونیسم» اعمال می شود که با حمایت سیستماتیک پدیده نشر و امواج رسانه ای پشتیبانی می شود. آنها با این سیاست در واقع سلیقه سازی و فرهنگ سازی می کنند. شک نیست که این اقدامات را با این فرض انجام می دهند که فرهنگ غالب را به خودشان نسبت دهند و فرهنگ مغلوب و مفعول را به دیگران القا کنند. وی ادامه می دهد: در این میانه، ما باید سالن های خودمان را داشته باشیم. سالن هایی مملو از آثاری که در اقلیم، فرهنگ، تفکر و چشم انداز خاص خودمان خلق شده باشند. موزه هایی که توریست های فرهنگی برای دیدنشان سرودست بشکنند. واقعیت این است که چنین موزه معاصری هنوز نداریم.

موزه هایی که در مقابل غربی ها احساس حقارت نکنند، نقاش هایی که معیار ارزش گذاری شان به طور آشکار و پنهان مساوی با معیارهای اروپایی نباشد. آنها یک ماتیس دارند که با درک هنر سنتی ایرانی، ماتیس شده است. آیا جای تأسف نیست که امروز کسانی از ماتیس تقلید کنند؟ مطمئن باشید که یک غربی انتظار ندارد در تهران با چیزی شبیه «موزه مدرن آرت» نیویورک روبرو شود. او به دنبال چیز دیگری است. چیز دیگری که امروز در دست های ماست، اما متوجه حضورش نیستیم. اگه بودیم که خیلی از نقاش های توانمند دچار چنان چرخش ها و اعوجاج هایی نمی شدند. امروزه در بین شما جوان ترها قابلیت های غریبی هست که من موظف هستم آنها را به یاد شما بیاورم. شاید در حال حاضر این تنهاترین و مهم ترین کاری است که از دست من برمی آید. یک سؤال همیشه در ذهن من هست، کسانی مثل جکسن پالاک، دکونینگ و آلبرز پانصد سال دیگر چه ارزش جهانی خواهند داشت؟ بعید می دانم که پانصد سال دیگر کسانی بخواهند مشتاقانه از آثار این نقاشان عکس بگیرند. آن طور که در کلیسایی در رم که آثار میکل آنژ بر دیوارها و سقف آن منقوش است با چشم خودم دیده ام. اینکه انبوهی آدم از ملیت های مختلف از کار میکل آنژ همه روزه در طول سال عکس و فیلم می گیرند. آیا پالاک، دکونینگ و آلبرز چنین اقبالی هرگز پیدا خواهند کرد؟ اینها با نقاشی هایشان چه گفته اند که از پس سده ها انسانی دیگر بخواهد آن را برای توسعه روح، ذهن و اندیشه اش، دریافت کند؟ چرا بعضی ها به فکر راه اندازی چیزی شبیه «مدرن آرت» نیویورک هستند؟ این پدیده «دست دوم» بودن کی از روان عده ای خارج می شود؟ این عده می خواهند به خود و به ما و به همه بگویند که روان جمعی ما «دست دوم» است.

من در پاسخ به این عده می گویم: در میان عشایر لر و قشقایی و بختیاری ما، زیراندازها، پالان ها و خلخال هایی برای اسب و قاطر و الاغ هایشان درست می کنند که از پیشرفته ترین مزون های اروپایی زیباتر و مدرن تر است.

مینی مالیسم ویژه ای که شمس تبریزی منادی آن است، اگر با شور و بیان شگفت آور مولوی در جادوی کلام معنوی ثبت و نگاشته نمی شد، امروز کسی شمس تبریزی را نمی شناخت و اهمیت او به گوش و هوش ما منتقل نمی شد.

من در برابر کلام مولانا به خود لرزیده ام. در برابر غزلیات حافظ نیز بر خود لرزیده ام. من در سرودن اشعاری که روح ملت را و تاریخ قوم آشور را روایت می کنند اعماق روحم را به ارتعاش درآورده ام. شعر، کلمه، خط، رنگ و نقش تار وجود مرا به ارتعاش درآورده اند.

آگهی ثبت انتخابات مسئولان انجمن صنفی فرا استانی تولید کنندگان عایقهای رطوبتی

با استناد ماده ۱۳۱ قانون کار و آئین نامه مصوب ۷۱/۱۰/۶ هیات وزیران و با توجه به صورت جلسه های مورخ ۸۳/۲/۲۱ مجمع عمومی و ۸۴/۳/۸ هیات مدیره انجمن صنفی فرا استانی تولید کنندگان عایقهای رطوبتی و سایر مدارک تسلیمی اسامی و سمت هر یک از اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره انجمن صنفی و بازرسان که تا تاریخ ۸۴/۳/۱۰ انتخاب شده اند به شرح زیر می باشد

۱- رئیس هیات مدیره	آقای صادق قنبر دزفولی
۲- نایب رئیس	آقای ناصر امجد
۳- خزانه دار	آقای اصغر کلانتری
۴- منشی	آقای شهرام ابراهیمی
۵- دبیر	آقای غلامرضا رائی
۶- سایر اعضای اصلی هیات مدیره	آقایان اسماعیل ابراهیمی، محمود نصیری علی رعیت حسین آبادی
۷- اعضای علی البدل هیات مدیره	آقایان غلامرضا رائی و حسن تجلی
۸- بازرسان اصلی	آقای سعید هاشمی و جمشید خلیلی
۹- بازرس علی البدل	آقای حسین قربان خان

ضمناً مطابق ماده ۲۳ اساسنامه انجمن صنفی، اسناد و اوراق مالی و بهادار با امضای ثابت خزانه دار بهمراه امضای رئیس هیات مدیره یا دبیر و ممهور به مهر انجمن صنفی معتبر خواهد بود.

SONY

We are looking for young gentlemen as MARKETING STAFF.
The job function will included but not limited to:

- Strategic marketing planning for the company for each of the product lines.
- Market monitoring and analyses of market trends
- Competitors monitoring and analyses
- Establishing of MIS (management information system)
- Measure and monitor customers satisfaction level
- Marketing services activities

The required qualifications are:
1. Full knowledge of English
2. University degree in related fields
3. Applicants must be enthusiastic, hardworking, self -motivated, creative and Team player
4. Provide market demand forecast for all products to enable effective management of distribution network in order to service customer effectively and gain competitive advantage
5. Maximum 25 years old
6. Full knowledge of computer
7. Millitary service completed or exempted

Candidates should send their CV with a recent photo by Aug. 10th to:
intinfo@sony-iran.com